



آیت الله قرهی؛ ایمان هرچه در سینه انسان قوی‌تر بود حیا بیشتر است

آیت الله قرهی گفت: امام صادق (ع) می‌فرمایند: شرم نور است. خود اینکه انسان حیا و شرم داشته باشد یکی از لطف‌های خدا به انسان است و در این صورت انسان باید بداند مشمول رحمت پروردگار عالم شده است.

آیت الله قرهی گفت: امام صادق (ع) می‌فرمایند: شرم نور است. خود اینکه انسان حیا و شرم داشته باشد یکی از لطف‌های خدا به انسان است و در این صورت انسان باید بداند مشمول رحمت پروردگار عالم شده است.

به گزارش خبرگزاری مهر، آیت الله قرهی نکته ای اخلاقی بیان کرده که متن آن برای علاقه مندان در پی می‌آید؛

قال الصادق(ع): «الحياء نورٌ جوهرُهُ صَدْرُ الْإِيمَانِ وَتَقْسِيرُهُ التَّثَبُّتُ عِنْدَ كُلِّ شَيْءٍ يُتَكْرَهُ التَّوْحِيدُ وَالْمَعْرِفَةُ» [۱]، وجود مقدس حضرت صادق القول و الفعل(ع) این روایت شریف را از پدر بزرگوارشان و ایشان هم از سید الساجدین(ع) بیان می‌فرمایند.

حضرت می‌فرمایند: شرم نور است. خود این که انسان حیا و شرم داشته باشد، یکی از لطف‌های خدا به انسان است و در این صورت انسان باید بداند مشمول رحمت پروردگار عالم شده است. اما بی‌حیائی یعنی این که انسان نعوذبالله و نستجیربالله از لطف و رحمت حضرت حق دور است و دلالت بر این است که شیطان بر او غلبه پیدا کرده است. برای همین است که می‌فرمایند: شرم و حیا، نوری است «الحياء نورٌ»، که ذات و جوهر آن صدر ایمان است «جَوهرُهُ صَدْرُ الْإِيمَانِ».

اصلاً هر چیزی جوهره و اصلی دارد. مروارید را هم که گوهر می‌گویند، چون در صدف است، لایه دارد، پوشیده است و بعد معلوم می‌شود. حال، گوهر حیا چیست؟ کسی که سینه او پر از ایمان باشد. یعنی حیائی که نور است، به واسطه ایمان است. هر چه ایمان در سینه انسان قوی‌تر بود، حیا بیشتر است و او از این نور الهی بیشتر بهره مند می‌شود.

معلوم می‌شود خدا این لطف، مرحمت و بزرگواری یعنی حیا را به کسانی که ایمان ندارند، نمی‌دهد و در بستر ایمان است که انسان با حیا می‌شود. همان‌طور که بیان فرمودند: «لَا إِيْمَانُ لِمَنْ لَا حَيَاءَ لَهُ» [۲]، اصلاً ایمان ندارد آن کسی که حیا ندارد. وقتی که سینه خالی از ایمان شود، انسان بی‌دین می‌شود و حیا ندارد.

تفسیر حیا

حال، تفسیر آن چیست؟ معنای شرم چیست؟ حضرت می‌فرمایند: «و تَقْسِيرُهُ التَّثَبُّتُ عِنْدَ كُلِّ شَيْءٍ يُتَكْرَهُ التَّوْحِيدُ وَالْمَعْرِفَةُ» در حقیقت معنای حیا این است: انسان در برابر هر چه با توحید و معرفت پروردگار عالم ناسازگاری دارد، خویشتنداری کند. یعنی انسان هر چیزی را که در آن معرفت نیست و با غیر توحید است، مواظبت کند، لذا خویشتنداری در برابر هر آنچه که با توحید و معرفت پروردگار عالم ناسازگاری دارد؛ یعنی انسان برسد به این که بداند هر چه پروردگار عالم گفت، باید گوش بدهد که این توحید می‌شود و در سایه معرفت به وجود می‌آید.

لذا وقتی انسان با معرفت شد؛ چون سینه پر از ایمان می‌شود، با حیا هم می‌شود. اما اگر بی‌معرفت شد، بی حیا می‌شود و دیگر تمام است. برای همین است که مولی الموالی(ع) فرمودند: «الحياءُ مِفْتَاحُ كُلِّ الْخَيْرِ» [۳]، حیا کلید هر خیری است و معلوم است بی حیائی هم عامل هر شری است.

انسان باحیا هم در جلوتش مواظبت می‌کند و هم در خلوتش. پیامبر(ص) رد می‌شدند، دیدند یک کسی برهنه نشسته است. روی خود را برگردانند و فرمودند: کسی که در تنهایی هم برهنه باشد، بی حیا است. چون انسانی که حیا دارد، حضرت حق را ناظر می‌بیند و در همه جا مواظبت می‌کند.

بعضی‌ها چیزهایی می‌گویند که ما نمی‌فهمیم. داریم که اگر انسان در بیت الخلاء موقعی که مواد زائد را تخلیه می‌کند، ببیند، پس گردن او می‌زنند. در آن‌جا دعا هم دارد که می‌فرمایند بگویند: «اللَّهُمَّ أَطْعِمْنِي طَيِّبًا فِي عَافِيَةٍ وَ أَخْرِجْهُ مِنِّي حَيِّثُ فِي عَافِيَةٍ»، خدایا! به من طعام طیب در عافیت دادی و حالا هم که خبیث خارج شد، در عافیت هستم؛ یعنی طیب خوردم، خبیث بیرون آمد. دارد که بعضی از بزرگان حتی در موقع استبراء هم مواظبت می‌کنند؛ یعنی این‌قدر حیا‌های عجیبی دارند لذا همان‌طور که بیان شد، حیا دلالت بر ایمان است. اگر کسی بی حیا شد، دیگر راحت می‌شود، حرف‌های رکیک می‌زند، به مردم تهمت می‌زند، غیبت می‌کند و اصلاً بی‌دین می‌شود، «لَا إِيْمَانُ لِمَنْ لَا حَيَاءَ لَهُ».

ملای نراقی می فرمایند: خود حیاء هم مثل همه مطالب درجات دارد. اگر کسی را دیدید که خدای ناکرده می خواهد آبروی کسی را ببرد، بدانید خودش بی حیاء است. حتی اگر کسی هم خوشحال شد که آبروی کس دیگری دارد می رود، دچار نوعی بی حیائی است. لذا انسان باید قلباً مکدر شود که چرا آبروی انسانی رفته است.

انبیاء عظام، حضرات معصومین(ع)، اولیاء الهی و خصیصین حضرت حق حتی دوست نداشتند کسی را در عذاب ببینند و دوست داشتند دشمنانشان هم هدایت شوند و تا آن لحظه آخر هم تمام تلاششان بر همین بود. لذا پیامبر(ص) که «رحمة للعالمین» است آن قدر تلاش کرد که خداوند خطاب کرد: حبیب من! بس است، تو داری خودت را به هلاکت می اندازی که این ها ایمان بیاورند! لذا این حضرات اصلاً دوست ندارند کسی جهتمی شود؛ هیئات که آن ها دوست داشتند شمر، یزید و ... جهتمی شوند. منتها مع الأسف انسان ها خودشان را به این جا می رسانند.

پی نوشتها:

[۱] میزان الحکمه، حدیث: ۴۷۲۰ / مصباح الشریعه

[۲] الکافی، ج: ۲، ص: ۱۰۶

[۳] غررالحکم، ص: ۲۵۷،